

نقش مساجد هند در اسلام‌پذیری و معماری هندیان

حمید حاجیان پور^۱

الهام طاهری^۲

چکیده

اسلام اندکی پس از ظهور، در تمام کشورهای پیرامون شبه جزیره عربستان و حتی کشورهای دوردست پذیرفته شد و همه‌ی عرصه‌های زندگی خصوصی و اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار داد. شبه قاره هند از جمله جوامعی بود که با حضور مسلمانان به شدت تحت تأثیر اسلام قرار گرفته و دچار تغییراتی شد. همراه با گسترش اسلام در هند، مسجد به عنوان مهم‌ترین عامل فیزیکی و پایگاه اسلامی متأثر از فرهنگ اسلامی بنا گردید. این مساجد هم جایگاهی برای عبادت مسلمانان بود و هم مکانی برای تعلیم علمی مثل فقه و اصول. مساجدی که با تلفیق معماری اسلامی و هندو به جای معبد هندوها ساخته می‌شد، نقش زیادی در مسلمان کردن هندوها داشت. در این پژوهش، پس از توضیحاتی در مورد چگونگی ورود اسلام به منطقه‌ی هند، به بررسی نقش مساجد ساخته شده در اسلام‌پذیری مردم آن منطقه می‌پردازد. علاوه بر این معماری این مساجد و کارکردهای مختلف آن نیز بررسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: مسجد، شبه قاره هند، معماری اسلامی، معماری هندو - اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شیراز

مقدمه

اعراب قبل از تسخیر سرزمین‌های تازه به سنن معماری و هنرهای ظریف آشنایی زیادی نداشتند. پس از ظهور اسلام نیز اولین اثر معماری این قوم مساجدی بود که برای انجام آداب مذهبی می‌ساختند. هنگام ورود اسلام به هند، به نام خدا بت‌ها شکسته می‌شدند و بت‌بان‌ها کشته می‌شدند و بت‌خانه‌ها ویران گردیدند، در حالی که غالب اوقات مساجد در جای آن‌ها بنا می‌گشتند. در اسلام، مسجد بنایی مذهبی است و اولین عملکرد آن عبادت جمعی است. از بدو ورود اسلام به شبه قاره هند تا زمان معاصر، قریب چهارده قرن است که هند متأثر از فرهنگ و تمدن اسلامی است. این تمدن تأثیر شگرفی را بر روی مردم آن سامان گذاشت، به طوری که ساخت مساجد بر تداوم این تمدن سایه افکند و باعث شد که این تمدن غنی از بین نرود. این مساجد هم جایگاه عبادت، هم جایگاه تعلیم و تربیت بود، علاوه بر این زمانی که بین مسلمانان و هندوها درگیری پیش می‌آمد به عنوان یک پایگاه قوی برای مسلمانان به شمار می‌آمد. سلسله‌های مسلمان حاکم در هند از جمله گورکانیان، اهمیت زیادی به مسجدسازی می‌دادند و مساجد ساخته شده در آن دوران از معماری باشکوهی برخوردار بود که از سبک هندی نیز تأثیر پذیرفته و سبک جدید هندو - اسلامی به وجود آمد.

ورود اسلام به هند

زمینه‌ی نفوذ و گسترش اسلام در شبه قاره هند، همزمان با حیات سیاسی پیامبر اکرم (ص) فراهم شد. این مهم نخست توسط تجار عرب که در زمان پیامبر اسلام آورده و روابط تجاری با مناطق ساحل جنوب غربی «مالابار» داشتند، تبلیغ گردید. تجار و بازرگانان عرب حاصل دین جدیدی شدند و به هر کجا که قدم می‌گذاشتند اقدام به انتشار آن می‌نمودند. با ورود بازرگانان مسلمان به شبه قاره هند، مساجدی نیز در این منطقه ساخته تا به امور عبادی خود پردازند. علاوه بر این غالب اوقات مسلمانان با نام

خدا بت‌خانه‌ها را ویران کرده و به جای آن مسجد می‌ساختند تا مکانی برای نشر دین مبین اسلام نیز باشد (آرنولد، بی‌تا: ۵۵۰).

در کتاب تاریخ فرشته در ذکر ظهور اسلام چنین آمده:

«بر طبائع آفتاب شعاع مستور نماناد که اولین کسی که از ارباب اسلام قدم در سرحد هندوستان نهاده، با اهالی آن دیار غزا کرده مهلب بن ابی صفره است. مهلب بن ابی صفره که از امرای کبار عرب بود، از حوالی مرو به کابل و زابل آمد و به هندوستان در آمده با کفار غزا کرد و ده دوازده هزار جواری و غلمان اسیر ساخت و در آن مدت بعضی از مردم هند جسته جسته به وحدانیت اله و نبوت رسالت پناه اقرار نموده مسلمان شدند» (هندوشاه، ۱۲۸۱: ۱۶).

اسلام برای اولین بار از طریق دریا وارد هند شد و حمله‌ی اصلی اعراب زمانی صورت گرفت که بیرق اسلامی به تدریج به وسیله‌ی مهاجمان و راهزنان بادیه نشین از طریق گذرگاه‌های شمالی هندوکش به داخل کشور وارد شدند. سرانجام افغان‌ها، ترک‌ها و فارس‌ها که زمینه را برای ایجاد امپراطوری مساعد دیدند در کشور ماندگار شدند. حکمران لالکات، پرتوی راج در سال ۱۱۹۲ میلادی نیروهای راجپوت را برای مقاومتی بی‌حاصل در برابر سربازان محمد الغور افغان بسیج نمود، که پیروزی نصیب سپاه مسلمانان شد. قطب‌الدین آیبک، سپهسالار و نایب محمد الغور، در یادبود این پیروزی سرنوشت ساز اسلام بر هندو، اولین مسجد ماندگار را در دهلی هندوستان بنا کرد (مسجد قوت الاسلام) (کریون، ۱۳۸۸: ۲۱۷).

تماس‌های اعراب با هندوها طبعاً موجب می‌شد که هندی‌ها با مذهب جدید اسلام آشنا شوند. تأثیر تبلیغاتی به وسیله‌ی دسته‌های بازرگانان مسلمان که آئین خود را به شهرهای کافر نشین هندوستان می‌آوردند بی‌گمان در کار بود. بعد از بازرگانان به تدریج

مبلغان مذهبی مسلمان نیز به هند آمدند و به نشر مذهب جدید در هند پرداختند و مورد استقبال واقع شدند. مساجدی در هند ساخته شد و این فعالیت‌ها نه با مخالفت دولت‌ها یا مردم هند مواجه می‌شد و نه هیچ نوع تصادم و برخورد مذهبی به وجود می‌آورد. سنت قدیمی هند این بود که نسبت به هر نوع اعتقاد و ستایش مذهبی سازش و بردباری داشت. بدین قرار اسلام چند قرن پیش از آنکه به صورت یک قدرت سیاسی به هند بیاید به عنوان یک مذهب به هند راه یافته بود (لعل نهرو، ۱۳۵۰: ۱/۳۸۰). جغرافی دانان عرب نام بسیاری از شهرهای کافر نشین را هم در کرانه‌ها و هم در داخل کشور ذکر می‌کنند که مسلمانان در آن‌ها مساجدی برای خود بنا نموده بودند و تحت حمایت حکمرانان بومی، زندگی می‌کردند. در کتاب *مسالک و ممالک اصطخری* آمده:

«کنبایه تا صیمور تا بلهرا پادشاه هند دارد. و بیشتر کافرستان است، لکن مسلمانان هستند درین ولایت. و در شهر مسجد آدینه هست مسلمانان را، و هر آدینه خطبه کنند» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۴۷).

در واقع اسلام از دو طریق وارد شبه قاره هند شد: (۱) روش‌های غیر نظامی، (۲) روش‌های نظامی. در مورد روش‌های غیر نظامی ورود اسلام به شبه قاره هند به طور عمده باید گفت اگرچه بعدها مبلغینی نیز برای تبلیغ و آشنایی هندوها با اسلام به این منطقه گسیل داده شد، اما این بازرگانان عرب بودند که در ابتدا اسلام را وارد شبه‌قاره کرده و مردم این منطقه را با اسلام آشنا کردند (لعل نهرو، ۱۳۵۰: ۱/۳۸۰). علل عمده‌ی نفوذ و رواج اسلام در شبه‌قاره، جاذبه و کشش، مساوات و عدالتخواهی این مذهب بود و عوامل انتقال آن نیز بازرگانان، صوفیان و بعدها سپاهیان بودند (جمشیدی بروجردی، ۱۳۷۲: ۲۱). می‌توان گفت روش غیرنظامی نقش بیشتری در مسلمان کردن هندوها داشت. زمانی که بازرگانان و صوفیان مسلمان به هند می‌رفتند و هندوها از طریق آنان با اسلام آشنا می‌شدند به تدریج به سمت اسلام گرایش یافته و اسلام تأثیر

عمیق‌تری در بین آنان داشت، در حالی که روش نظامی نمی‌توانست چنین تأثیری در بین هندوها داشته باشد.

بنای تمدن اسلامی در هند

از بدو ورود اسلام به شبه‌قاره، تا زمان معاصر (اواخر قرن بیستم) قریب چهارده قرن است که هند متأثر از فرهنگ و تمدن اسلامی است. این تأثیرپذیری طی حدود هفت قرن اولیه که اسلام بر بخش‌های مهمی از سرزمین هند سیطره‌ی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داشته است، بیشتر بود (همان: ۲۵).

تأثیر اعراب در هندوستان زیادتر از ایران نبوده و با این حال از نظر دین و تمدن اثر عمیقی در این سرزمین گذاشتند، به طوری که هم اکنون پنجاه میلیون مسلمان در هندوستان وجود دارد. نفوذ و قدرت سیاسی و مذهبی مسلمانان در هندوستان به نهایت درجه‌ی استحکام رسید و به دستگیری سلاطین مسلمان که یکی پس از دیگری حکومت را در آن‌جا به دست گرفتند در مدت هشتصد سال این قدرت رسوخ کامل پیدا کرد و پس از این‌که حکومت از نظر سیاسی از دست مسلمانان بیرون رفت از نظر مذهبی همچنان نفوذ آنان در هندوستان باقی ماند و روزه‌روز رو به توسعه و پیشرفت نهاد. زمانی که مسلمانان در قلب خاک هندوستان پیش رفتند با یک تمدن قدیمی و ریشه‌داری روبه‌رو شدند که آن را بهتر از تمدن خویش تشخیص دادند، از این‌رو درصدد برآمدند آن را با تمدن خویش مخلوط نمایند و راه اختلاط را به دست آورده با این کار موفق شدند، و آنچه در این‌جا جلب نظر می‌کند این است که این‌ها چگونه توانستند در مدت کوتاهی معتقدات دینی خود را در قسمت اعظمی از این مملکت پهناور بسط دهند. مسلمانانی که این کشور را گرفتند بناهای عالی‌ه‌ی هندوستان آن‌ها را به حیرت واداشت و نظرشان را به طور شگفت‌انگیزی جلب نمود. اگر انسان به دقت وضع تأثیر اعراب را در ملت‌هایی که با آنان اختلاط یافتند مورد بررسی قرار دهد به این نتیجه

خواهد رسید که اعراب در یک قسمت از سرزمین‌های اشغالی خود توانستند تمدن خود را جانشین تمدن ملت مغلوب نموده و تمام آثار تمدن قبلی را از بین ببرند. تمدن آنان با یکدیگر ممزوج شد چنان‌که در سرزمین‌های ایران و هند چنان بود. در مملکت هند به خصوص تمدن عرب و هند چنان به هم آمیخته شد که نشانه‌ی این امتزاج در مذهب طرفین نیز آشکار شد و پس از گذشتن مقداری از زمان یک تمدن ثالثی نیز که آن تمدن ایران بود، با آن دو مخلوط شد و تمدن آنان از سه عنصر ترکیب یافت. مقدار تأثیر معماری و تمدن اعراب و همچنین تمدن مرکب از عناصر سه گانه‌ی فوق از روی ابنیه و عماراتی که هم اکنون در هندوستان باقی است، به خوبی مشهود است (لوبون، ۱۳۵۸: ۶۲۲۴).

مسجد اولین پایگاه مسلمانان

اعراب قبل از تسخیر سرزمین‌های تازه به سنن معماری و هنرهای ظریف آشنایی زیادی نداشتند. پس از ظهور اسلام اولین اثر معماری این قوم مساجدی بود که برای انجام آداب مذهبی می‌ساختند و وضع ساختمانی این عبادتگاه عبارت بود از یک محدوده مستطیل شکل که با ساقه‌های نی و حصیر محصور بود و یک طرف آن برای جلوگیری از ریزش باران سقف داشت. در حیاط این مساجد حوضی بوده است که مسلمانان در آن وضو می‌گرفتند و بعد در محوطه‌ی مسجد به عبادت می‌پرداختند (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۱۰۳). ولی با ورود به هند شکل مساجد با تأثیرپذیری از معماری هندی تغییر یافت بنابراین لازمه‌ی هر پیروزی مسلمانان، تخریب معابد سلطنتی سلسله‌های مغلوب هندو بود و معابد سایر مراکز هندی بازسازی می‌شد و نیز اماکن بزرگ مقدسه و زیارتی و برپایی مساجد و نمادهای پیروزی که باز نیازهای مذهبی پادگان‌های مسلمان را برطرف می‌کرد، در رأس برنامه‌ها قرار می‌گرفت. فتوحات متوالی این مسأله را پیش می‌کشید که زمانی برای برنامه‌های ساختمان سازی وسیع موجود نیست. ستون‌ها، درب‌ها، شاه‌تیرها

و سقف‌های معابد ویران شده پس از محو آثار پیکرتراشی‌ها به مسجد تبدیل می‌شد (هالاید، ۱۳۷۶: ۵۰).

معماری بومی هند نمایانگر جلوه‌های زندگی و سبزی و خرمی است، از طرف دیگر معماری اسلامی پیش از رسیدن به هند با مقتضیات صحرا و سادگی و قوتی که یکتاپرستی اسلامی مروج آن بود، انطباق یافته بود. فرق نمایان موجود میان درون مایه‌ی روحانی این نمونه معماری را در مبنای معماری هندوان و مساجد مسلمانان می‌توان مورد بررسی قرار داد. هنر معماری اسلامی با ویژگی‌های خود در ساخت مساجد بزرگ وقتی به هند رسید، ضمن تلفیق با معماری هندی از مصالح و لوازم کار هندی که ویژگی‌های اقلیمی خود را داشت برخوردار شد. در این راستا هنر معماری هند از دقت سیستم ایرانی نیز بهره‌ور شد و به عبارت دیگر ترکیب شیوه‌ی ایرانی و هندی با برخوردارگی از هنر اسلامی به وجود آمد (سلیمی، ۱۳۷۲: ۹۷).

با ورود مسلمین کیفیت نقشه‌ی شهرها و یا دست کم بخش‌هایی از شهر که به تصرف مسلمین درآمده بود تغییر پیدا کرد. در بیشتر شهرها مسلمین و هندوان جدا زندگی می‌کردند، این ویژگی حدوداً تا امروز هم ادامه یافته است. سنت مسلمانان در امر قرار دادن مسجد در مرکز اصلی یک شهر اردویی، در طرح معماری مساجد که توسط قطب‌الدین آیبک در جلگه‌ی هند معمول گردید، بر جای ماند (منظور مسجد قوت الاسلام دهلی است که به امر قطب‌الدین آیبک ساخته شد). مصالح نخستین بنای اسلامی را که متعلق‌اند به اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم، سنگ‌های بریده از معابد ویران شده تشکیل می‌داد، که توسط بنایان هندی که عهده‌دار ساختن بنا بودند تعبیه می‌شد (عزیز، ۱۳۶۷: ۱۸۰).

ترکیب دو مکتب اسلامی و هندو در فن معماری از همه نمایان‌تر است. مسلمانان که بر حسب مبادی دین حنیف نقاشی و پیکرنگاری را حرام می‌شمردند، در هندوستان ظرافت سلیقه‌ی فطری و لطافت ذوق خدادادی را در ساختن عمارت‌های رفیع و

حجاری‌های بدیع و طرح‌ها و نقشه‌های هندسی جلوه گر ساختند. از این رو در طول مدت سلطنت ایشان بالخاصه از قرن دهم به بعد که هنگام سلطنت مغولیه گورکانیه است ابنیه‌ی رفیعه و ساختمان‌های مجلل و باشکوه از ایشان در سراسر هندوستان به یادگار ماند. در همه‌ی بلاد معظمه بناهای عدیده از قصور و بساتین و مساجد و مدارس و معابد و قلاع و مقابر و پل‌ها و دروازه‌ها ساخته و پرداخته گشت که تا امروز آن‌ها همه مایه‌ی اعجاب و مورد تحسین و سبب حیرت بینندگان است (حکمت، ۱۳۳۷: ۱۱۶-۱۱۷).

ترکیب منحصر به فرد معماری اسلامی نور و هوا، آن شیوه‌ی ساختمانی که در خارج از سرزمین هند، طاق‌های قوس دار، گنبد، محوطه‌های وسیع و تالارهای پذیرایی مبین آن است، با روش‌های کهن هندویی ساختمان‌های بسیار متراکم و آراسته به تزیینات بدیع، در معماری‌های باشکوه قصر اکبر در فاتح پورسکری و قلعه‌ی سرخ شاه جهان در دهلی، تجلی یافت (هاردی، ۱۳۶۹: ۳۱). مشاهده بناهای قدیم هند و معابد هندو و سبک حجاری و قرینه‌سازی و پیکرنگاری ایشان، افکار جدیدی در مغز آن‌ها به وجود آورد که به تدریج از آن اقتباس‌ها کرده و در ساختمان‌های خود به کار بردند. تا آن‌که رفته رفته از ترکیب آن دو اسلوب سبک مستقل و معروفی در فن معماری به وجود آمد که به نام «معماری هندو اسلام» در جهان معروف گشت. این سبک در قرن نهم هجری در عمارات مساجد و قصور سلاطین شمالی در لاهور و دهلی و سپس به دست خاندان سلسله‌ی شرقی در جونپور و بعدها در معابد احمدآباد (گجرات) و گلکنده به ظهور آمد و بالاخره در شهرهای آگره و شاه جهان آباد (دهلی) و کشمیر به حد کمال رسید (حکمت، ۱۳۳۷: ۱۱۶-۱۱۷).

هنر اسلامی مانند هندی و یا هر هنر دیگر حاصل ضرورت و نیاز مذهبی اعتقادی و پرستش است. مسلمان عابد باید معبدی داشته باشد وسیع‌النظر و عظیم، مانند خود حقیقت، که مظهر شکوه و اعتبار و عظمت باشد. گسترده و روشن نمایانگر پاکی و

خلوص و افراختگی. آن‌که به مسجد رو می‌کند باید آن‌جا را پناهگاه خود بداند و بالاخره جملگی پیروان در آن اجتماع کنند و چگونگی ساختمان در ذهن او تجمع حقیقت و اعتقادات باشد، آن‌طور که جلوه‌ی حقیقت را در آن احساس کند. چنین جذبه‌ای فقط در مسجد متجلی می‌شود، طاق‌های زیبا، گنبد عظیم، منارهای بلند، ستون‌های متناسب و موزون و سردری تزئین یافته دارد که احترام بیننده را متوجه خود می‌سازد. شبستان‌های وسیع که معماری خاصی دارد و در آن از بتی خبری نیست. مختصر گنجبری در آن به کار رفته و تزئینات منحصرأ‌کننده‌کاری نیست بلکه خطوط و نقوش عربی و نوشتجات بر سطوح قرار گرفته و گاه نقش‌های هندسی سطوح نقش‌ها را فرا گرفته است. قسمت‌های داخلی با کاشی‌های زیبا که نقش‌های تحسین برانگیز دارند، زینت یافته و نحوه‌ی ساختمان جایی خنک و آرام را تدارک می‌بیند که نمازگذار را در حالتی که لازمه‌ی عبادت است مسحور می‌کند. تأثیر چنین تفکری در مکتب معماری باعث به وجود آمدن سبک‌های اسلامی مختلف در مغرب، مصر، سوریه، ترکیه و ایران شده است. در سرزمین هند برخورد دو فرهنگ متفاوت و مذهب مختلف باعث به وجود آمدن مکتب جدیدی شد. عناصر هندو و مسلمان بایکدیگر ائتلاف کردند و معماری تازه‌ای از آن پدیدار شد. بناهایی که توسط مسلمانان برای انجام امور مذهبی، سکونت یا هدف‌های نظامی ساخته شده هیچ شباهتی به ساختمان‌های سوری، مصری، ایرانی و آسیای مرکزی نداشت و هیچ اثری از بناهای هندو، معابد، قصرها و یا مقبره‌های هندو در آن‌ها دیده نمی‌شود. سختگیری و پیچیدگی معماری اسلامی در جهت سادگی تغییر یافت و نیز از افراط‌کاری معماری هندو در تزئینات رو به کاهش گذاشت، صنعتگری، هنر اصلی معماری تزئینات و طرح کلی بیشتر براساس معماری هندو باقی ماند؛ اما هلالی‌ها، گنبدهای ساده، دیوارهای مسطح و اسلوب داخل بنا که به طرز خاص تزئین یافته تحت تأثیر معماری اسلامی است. ارزش هنری بناهایی که از قرن سیزدهم به بعد توسط هندوها یا مسلمانان ساخته شده تقریباً یکسان است. اگر منظور از ایجاد

ساختمان نحوه‌ی استفاده آن مورد توجه قرار گیرد اسلوب و خصوصیات آن برحسب منطقه و سلیقه‌های خاص نواحی اختلافاتی در آن‌ها به چشم می‌خورد. شکل و طرح اصلی بنا و گنبد مساجد، مقابر و قصرها با وجود تأثیری که از معماری هند داشته، نشانه‌ی نفوذ طرح‌های اسلامی را کاملاً مشخص می‌سازد. محراب، زیارتگاه‌های هندوها را به خاطر می‌آورد، طاق‌ها بیشتر شکل هندی گرفته، حالت قرار گرفتن آن‌ها همواره بر اسلوب تازه‌ای است. مظاهری که در تزیین یا در طرح اصلی به کار رفته به روشنی نشان می‌دهد که معماران و بنیان هندی به این نتیجه رسیده‌اند که پیغمبر مکه تنها کسی است که توانسته در هنر هندو نفوذ کند و ترکیب تازه‌ای از اسلام و هندو به وجود آورد. آنان می‌توانستند مسلمانان خوبی بشوند اما بر آئین هندو باقی بمانند. بعضی آثار معماری اسلامی، چون طاق هلالی و گنبد پیازی شکل در اصل احتمالاً مربوط به هندوها بوده و کم‌کم مسجد مسلمانان شد، اما حس زیبایی پسندی و ظرافت مسلمانان با هندوها تفاوت دارد و هرچه مبدأ این آثار و عناصر اهمیت داشته باشد، نمی‌توان انکار کرد که در هنر قرون وسطی هند، کوشش مسلمانان بر آن بود تا ارزش‌ها و هنر قدیم هندوها را تغییر دهند (چند، ۱۳۷۴: ۳۰۳-۳۰۵).

معماری اسلامی از سنت‌های دیرینه‌ی معماران هندی بهره می‌گرفت و هم‌چنان که اسلام از طریق اشاعه‌ی عقاید تلفیقی در هند ریشه می‌دواند، معماری جدید نیز رو به التقاط گذاشت. در هر منطقه‌ای که به تسخیر مسلمانان در می‌آمد پیش از آنکه سبک هندو - اسلامی مجال تبلور بیابد، عملیات ساختمانی از سه مرحله‌ی متفاوت عبور می‌کرد: (۱) اولین مرحله دارای عمری کوتاه لیکن توأم با تخریب بود، چرا که حاکمان جدید مسلمان بنا به مقاصد سیاسی خود اقدام به تخریب معابد هندوها می‌کردند. (۲) مرحله‌ی دوم که بلافاصله در پی می‌آمد عبارت بود از بهره گرفتن از اماکن تخریب شده به مثابه منابع استخراج سنگ‌های تراشیده و مصرف دوباره‌ی آن‌ها برای ساختن مساجد و مقابر، گاه به مثله کردن مجسمه‌ها دست می‌زدند و گاه نقوش پیکره‌های ساخته

شده را کاملاً مسطح می‌کردند، ولی به ندرت تلاشی به منظور کتمان منبع مصالح ساختمانی انجام می‌پذیرفت. (۳) سومین مرحله زمانی به وقوع می‌پیوست که مسلمانان استقرار می‌یافتند و احساس می‌کردند که ریشه دوانده‌اند، در این زمان مصالح ساختمانی اختصاصاً برای بناهای از پیش تعیین شده فراهم می‌آمد و از مصالحی که پیشتر به کار رفته بود فقط در مواقع ضروری استفاده می‌شد (پروین، ۱۳۷۶: ۱۸۹).

معماری عرب قرن‌ها بر ساختمان‌های هندوستان سایه افکنده، حتی پس از آن‌که اعراب در تمام دنیا میدان را برای فاتحین جدید خالی کردند، این تمدن بر هندوستان سایه افکنی داشت. تا این که کم‌کم میدان برای معماری ایرانی باز شد و مجالی برای فن معماری عربی و هندی باقی نگذارد و بر هر دوی آن‌ها غالب شد. تحول معماری هند به معماری عرب زمان درازی پس از ورود اسلام به این سرزمین طول کشید و بناهایی که معماری عرب در آن تأثیر کرده بود مدت‌ها پس از این بود که اعراب وارد این سرزمین شدند، چیزی که سبب این تأخیر زمانی و فاصله‌ی طولانی شد این بود که حامیان اسلام در این سرزمین خود اعراب نبودند بلکه آن‌ها ترکان و مغول بودند که شباهت به مردمان دور از تمدنی داشتند که بر روم مسلط گشتند، و آن‌ها تمدن ملت مغلوب را پذیرفتند ولی برای پذیرفتن و نبوغ در آن زمانی دراز وقت لازم داشتند (لوبون، ۱۳۵۸: ۲۲۷). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تمدن و فرهنگی که در قرن چهارده میلادی وارد هند شد تأثیر شگرفی بر روی مردم آن سامان گذاشت و عاملی که باعث تداوم این تمدن اسلامی شد ساخت مساجد بود. اولین مسجدی که در هند ساخته شد مسجد قوت الاسلام یا قدرت اسلام بود. این مسجد باشکوه که در مکان بزرگترین معبد هندوی دهلی در اوایل قرن هفتم هجری بنا شده است قدیمی‌ترین مساجد اسلامی شمال هندوستان می‌باشد که به امر قطب‌الدین آیبک ساخته شده و دو کتیبه‌ی فارسی در سر در آن از همان زمان باقی است (حکمت، ۱۳۳۷: ۱۱۸). این مسجد با محوطه‌ی وسیع مستطیل شکل به چشم می‌آید.

ردیف‌های ستون‌های سنگی کار گذاشته شده در سه طرف این مسجد، از برخی از بیست و هفت معبد محلی هندو و چین به این مکان منتقل شده است. قسمت غربی محوطه که به سوی مکه است، مشرف به رواق یا ایوان وسیعی است که وجود دالانی با کنده کاری با شکوه، پنج طاق نوک تیز در آن بر قدر و اهمیتش افزوده است. در سمت جنوب شرقی محوطه‌ی قطب منار بزرگ قرار گرفته است. این مناره به عنوان نماد پیروزی مسلمانان بنا شده و نوشته‌های نقش برجسته بر آن نیز همگی گواه این مطلب هستند. نمادی برای نشان دادن حضور همیشگی خداوند در شهر فتح شده‌ی هندوها (کریون، ۱۳۸۸: ۲۱۸-۲۱۹).

کارکرد مساجد در هند

۱. مسجد مکانی عمومی برای عبادت مسلمانان است که اولین و ابتدایی‌ترین آن‌ها به شکل محوطه‌ای بسیار بزرگ با دیواری بر گرد آن و یا به شکل صحنی وسیع و ریسمان کشی شده و نمدهایی آویزان بر آن، به سوی مکه (غرب هند) بنا می‌شده است (همان: ۲۱۷). ۲. این عقیده که مسجد علاوه بر اینکه عبادتگاه است محل تجمع و بیع و شری با غیرمسلمانان و پذیرفتن سفیران و تیمار مؤمنانی که در جنگ زخمی شده‌اند و امور دیگری از این گونه نیز هست، به زمانی که پیامبر در مدینه به سر می‌برد باز می‌گردد. ۳. مسجد یعنی همان مکانی که مدارس از آن‌جا نشأت گرفت. در آغاز محلی برای تعلیم علوم مختلف دینی و منجمه فقه اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت. مسجد بر حسب تمایل و رغبت مؤسسان و بانیان آن می‌توانست به تعلیم علوم گوناگونی اختصاص یابد، و لکن عملاً زمینه‌ی اصلی این تعلیمات همانا فقه بود و سایر شاخه‌های علوم به عنوان فروع و شعبات آن ملاحظه می‌شد (مجتهدی و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۹). همان‌طور که در یونان باستان افلاطون و ارسطو «آکادمی» بنیاد گذاشتند، پیروان عیسی کلیسا را مرکز کار قرار دادند، محمدبن عبدالله (ص) نیز مسجد را بنیان گذاشت و دیگران

نیز برای آموزش اندیشه‌های خود کانون‌هایی پدید آوردند. آکادمی و کلیسا و مسجد و کانون بیش از هر چیز برای فهمیدن و گفتگو کردن در راه‌هاییست که بنیادگذاران گذاشته‌اند (یزدانیان، ۱۳۰۹: ۶۳).

پس یکی از کارکردهای اصلی مساجد، که به عنوان عبادتگاهی برای مسلمانان بوده است، یک مرکز آموزشی بوده که فقه و علوم دیگر در آن آموزش داده می‌شد. زمانی که عالمان، صوفیان، شاعران و هنرمندان مسلمان تحت پوشش فتوحات اسلامی به هند سرازیر شدند، پس از کسب حمایت حکومت‌های جدید، مدارس دینی، مساجد و خانقاه‌ها را سازمان دادند و زمینه را برای گرویدن مردم هند به اسلام فراهم آوردند. استقبال از اسلام زمانی صورت گرفت که ثروتمندان و امرای مسلمان مسجد یا خانقاهی را وقف می‌کردند. ۴. یکی از کارکردهای مهم مساجد در هند مرکزی برای دعوت به اسلام بوده است تا از این طریق هندوها را به اسلام فراخوانند. ۵. علاوه بر این زمانی که بین مسلمانان و هندوها درگیری پیش می‌آمد به عنوان یک پایگاه قوی برای مسلمانان به شمار می‌آمد.

مساجد ساخته شده در هندوستان با این کارکردها، از طرح مساجد ایران نشأت گرفته و عناصری چون گنبد‌های پیازی شکل منظم، مناره‌ها، سردرهای عظیم و باشکوه با قوس‌های نوک‌دار و بلند و زیبا از ویژگی‌های مساجد است. در زمان مغول‌ها (گورکانیان هند یا مغول‌هایی که از فرهنگ و هنر ایران بهره‌مند شده بودند) به خصوص دوره‌ی شاه جهان را می‌توان دوره‌ی طلایی توسعه و ساخت مساجد نام نهاد. در دوره‌ی گورکانیان هند دو نوع مسجد ساخته می‌شد، یکی مساجد عظیم و باشکوه عمومی و دیگر مساجد کوچک خصوصی. مسجد بزرگ فاتح پورسیکری و مسجد جامع دهلی از جمله مساجد باشکوه این دوره‌اند (پورجعفر، ۱۳۸۱: ۷۷).

مساجد ساخته شده به سبک شیعیان

مساجد زیادی در هندوستان ساخته شد که این مساجد بیشتر به سبک اهل سنت بود ولی بعدها شیعیان نیز مساجد زیادی ساختند. یکی از شیعیان اسماعیلی که وارد هند شدند بهره‌های سلیمانی بودند (از نظر مذهبی، جماعت بهره بخشی از مستعلیون اسماعیلی و وارث بلافضل فاطمیان هستند) که مساجدی به سبک شیعیان در هند ساخته بودند. در قرن یازدهم هجری، دوره‌ای از آزار و تعقیب بهره‌ها آغاز شد که مسبب آن را اورنگ زیب دانسته‌اند. در متون تاریخی آمده که او قصد داشته تمام شیعیان احمدآباد را سنی کند. در اوایل حکومت اورنگ زیب اهل سنت مساجد بهره‌ها را به مساجد اهل سنت تبدیل کردند. مساجد بهره منبر ندارد و ملای بهره از تخته‌ای که روی چند چرخ قرار دارد و در محل مناسبی برای مواقع ضروری نگاهداری می‌شود، به جای منبر استفاده می‌کند. برای نماز فقط بهره‌ها در مسجد اجتماع می‌کنند. وقتی برای نماز به جماعتخانه می‌آیند لباس‌های عادی را درآورده جامه‌ای مخصوص نماز به تن می‌کنند اما در مساجد دیگران می‌توانند با لباس معمولی نماز بخوانند (هالیستر، ۱۳۷۳: ۳۲۱).

خوجه‌ها یکی دیگر از شیعیان اسماعیلی در هند بودند، اصول عقاید خوجه‌ها بی‌گفتگو عقاید مذهب نزاری است. خوجه‌ها مسجد ندارند و محل عبادت آن‌ها «جماعتخانه» نامیده می‌شود. می‌گویند این خانه‌ها کمی شبیه «دارالحکم» فاطمیان است که محل برگزاری مجالس فاطمی بوده است. ممکن است جماعتخانه‌های خوجه براساس عبادتگاه‌های حشاشین ساخته شده باشد. این عقیده که مسجد علاوه بر اینکه عبادتگاه است محل تجمع و بیع و شری با غیر مسلمانان و پذیرفتن سفیران و تیمار مؤمنانی که در جنگ زخمی شده‌اند و امور دیگری از این گونه نیز هست، به زمانی که پیامبر در مدینه به سر می‌برد باز می‌گردد. خوجه‌ها از جماعتخانه‌های خود برای برپا کردن جشن عروسی، تشکیل جلسات انجمن و اجتماع برای پرداخت عشر و برگزاری مراسم دینی نیز استفاده می‌کنند (همان: ۴۲۴-۴۳۰).

مساجد ساخته شده توسط اهل سنت (گورکانیان)

۱) مساجد دوره‌ی اکبر شاه گورکانی: در دوره‌ی گورکانیان مساجد زیادی ساخته شد. در مسجدهای دوره‌ی اکبر شاه گورکانی همان تنوع سبک‌های معماری بناهای آرامگاهی و مسکونی وجود داشت. «بنای خیرالمنزل» در دهلی، یکی از نخستین مسجدهای دوره‌ی سلطنت اکبر به وسیله‌ی دایه‌ی او، در قلعه‌ی پورا نادر ساخته شد. آن بنا شامل یک جناح متشکل از پنج دهانه، یعنی سبک مسجد شیر شاه از نوع دهلی با یک حیاط محصور با چند جناح دو طبقه است که از مدرسه‌های دو ایوانی تیموری اقتباس شده است. طرح نوعی مسجد دارای یک جناح و سه دهانه در معماری سلطنتی دهلی به وسیله‌ی گورکانیان اقتباس شد و استفاده از آن به عنوان مسجد محله‌ای یا به عنوان مسجد آرامگاهی در مجموعه‌های مقبره‌ای تداوم یافت. یکی از نخستین مساجدی که توسط خود اکبر ساخته شد، کاملاً به سبک تیموری است. این بنا مسجدی در درگاه شیخ معین‌الدین چیشتی در اجمر است. با توجه به مدارک چنین به نظر می‌رسد که این بنا یکی از ساختمان‌هایی است که فرمان احداث آن توسط پادشاه به مناسبت سفر زیارتی او در شعبان ۹۷۷ق. / ۱۵۷۰م. صادر شد. مسجد دارای صحنی است که پیرامون آن جناح‌هایی با طاق‌های قوس‌دار به عمق یک دهانه و یک شبستان عمیق‌تر در غرب قرار گرفته است که در وسط آن یک گنبد بزرگ نمایان است و در جلوی آن پیش‌طاقی قرار دارد که قبلاً در معماری تغلق در دهلی ظاهر شده بود. مسجد جامع اکبری در فاتح پورسیکری نخستین مسجد از نوع مسجدهای دارای فضای باز عظیم است که اکنون به عنوان نمونه‌ی مساجد گورکانی شناخته می‌شود. این مسجد جامع مانند فضاهای مسکونی سلطنتی شاهکاری از ساختمان‌های بزرگ در دوره‌ی اکبر است. جناح‌های صحن بزرگ مسجد در شمال شرق و جنوب، شامل تعدادی حجره با سقف مسطح و فضایی ستوندار است. فضاهای ورودی با شکوهی در جناح‌های شرقی و غربی وجود دارد که منبع طراحی آن در معماری سلطنتی هند است (کخ، ۱۳۷۳: ۶۳-۶۶). مسجد

جامع دهلی یکی دیگر از مساجد ساخته شده در این دوره است که در سال ۱۰۶۰ هجری بنا شد. این مسجد عالی در یک میدان وسیع و بلندی ساخته شده که به وسیله‌ی پله‌هایی که از اطراف ساخته‌اند به داخل آن می‌روند و سر در ورودی آن به طرز ساختمان‌های ایران بنا شده، اساس بنای مسجد از سنگ سرخ است و روی آن با سنگ مرمر سفید و سیاه به طرز بسیار دلپذیری پوشانده‌اند. مسجد مزبور از معماری عربی، ایرانی و هندی ترکیب یافته است (لوبون، ۱۳۵۸: ۲۴۲).

۲) مساجد دوره‌ی جهانگیر: در این دوره دستور داده شد که در شوارع و طرق، دهکده و مسجد و سرای عالی برپاکنند که موجب استراحت مترددین شود (بهبهانی، ۱۳۷۳: ۲۷۵/۱). مسجد سنگی در سرینگار که به وسیله‌ی نورجهان، همسر جهانگیر ساخته شد دارای سه جناح موازی با دیوار قبله است که هر جناح از نه دهانه تشکیل شده و هر دهانه که در بین چهار جرز متقاطع قرار گرفته با طاق‌های چهارترک یا طاق‌هایی با طرح‌های پیچیده‌ی معمول در آن دوره مسقف شده است. این شبستان‌ها دارای طاق‌های قوسی شکل با الگوی شطرنجی، نمایانگر سبک معینی از مساجد و کاخ‌ها در دوره‌ی شاه جهان است. طرح یک مسجد با سازه‌ی بنایی به شیوه‌ی دهلی با اجزاء و عناصر تیموری و صفوی در مسجدی که بنیانگذار آن یک زن، مادر جهانگیر، موسوم به مریم‌الزمانی است، در لاهور به بهترین شکل ساخته شده است. شبستان مسجد بیگم شاهی، که آن را با این اسم می‌خوانند، ساختمانی متشکل از یک جناح با پنج دهانه و با تزئینات نقاشی ظریف و دقیق است. گنبد مرکزی آن نقطه عطفی در طرح شبکه‌ای است که از نقاطی که در دایره‌های متحد‌المركز ترتیب یافته‌اند، آشکار شده است. معماری باشکوه مسجد در دوره‌ی جهانگیر نمایانگر فعالیت‌های عمرانی زنان است، در حالی که شخص پادشاه هیچ بنای بزرگی نساخت (کخ، ۱۳۷۳: ۸۳).

۳) مساجد دوره شاه جهان: برنامه‌ی ساختمان سازی شاه جهان شامل بنای قابل ملاحظه‌ای مسجد نیز می‌باشد. در حقیقت زمان او عصر طلایی دوره‌ی گورکانیان در

زمینه‌ی ساختن مسجد بود. شاه جهان که علاقه داشت به عنوان مجدد اسلام شناخته شود، بیش از سایر حاکمان گورکانی که پیش از او بودند، مسجد ساخت. در زمینه‌ی معماری مساجد، در این دوره می‌توانیم دو طرح اصلی معماری تشخیص دهیم که قبلاً در دوره‌ی جهانگیری مشخص شده بود. نخستین طرح متشکل از شبستانی دارای پیش طاق بزرگ با سه یا پنج گنبد، بیشتر برای مساجد بزرگ شهری مانند مساجد جامع مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ این نوع بنا ممکن بود با تعدادی منار همراه باشد. نوع دوم مساجدی با شبستان‌هایی متکی بر سازه‌ای شبکه‌ای متشکل از تعدادی طاق بود و امکان داشت که بدون پیشطاق یا گنبدهای بیرونی ساخته شود؛ این نوع مسجد معمولاً منار نداشت. این طرح بیشتر برای مساجد کوچکی که بانی آن‌ها افراد حکومتی بودند ترجیح داده می‌شد. تعدادی از مساجد بزرگ شهری توسط «وزیر خان» در لاهور با آجر و کاشی محلی ساخته شد، تعدادی نیز توسط جهان‌آرا در آگرا با سنگ قرمز و مرمر سفید. این مساجد مانند مساجد بزرگ تغلق در دهلی یا مسجد جامع در فاتح پور سیکری، با استقرار در روی یک سکو نسبت به بناهای اطرافشان مرتفع‌تر ساخته می‌شدند. صحن مسجد توسط چند جناح کم عمق محصور شده است. در سه جناح مسجد وزیر خان تعدادی حجره وجود دارد که امتداد آن‌ها به سب وجود سه ورودی در امتداد دو محور تقارن صحن، از یکدیگر جدا شده‌اند. نکته‌ی جدید، وجود چهار منار در گوشه‌های صحن است. سطح شبستان از سطح صحن بلندتر است و مانند الگوی مساجد دهلی متشکل از یک جناح و پنج دهانه است. نکته‌ی غیر معمول در آن، مستطیل باریک حیاط و بازاری است که در بخش شرقی به جلوی صحن اضافه شده بود. این دو خصوصیت اخیر در مسجد جامع آجرکاری و کاشیکاری شده در تاته دوباره تداوم یافت. در غیر این صورت بنا به نوع دوم مسجد شاه جهانی نزدیک‌تر است، زیرا آن نوع بنا با شکل قدیمی‌تری از نقشه‌ی شبکه‌ای مطابقت می‌کند که ویژگی‌های آن در مسجد اکبری در اجمر به تمامی جمع شده بود. جناح‌های حیاط مسجد تاته توسط شبستان‌هایی عمیق‌تر

و بیشتر غنی شده است. مسجد جامع آگرا که توسط جهان‌آرا ساخته شد به وسیله‌ی دو برابر کردن دهانه‌های جناح شبستان اصلی، نقشه‌ی مسجد وزیر خان را توسعه داده است. همین موضوع عمیق‌تر شدن ایوان مرکزی را موجب می‌شود. جناح‌های حیاط در این جا توسط رواق‌هایی شکل گرفته‌اند که با ورودی‌های محوری قطع شده‌اند. این طرح در مسجد شه جهان آباد اندکی دگرگون شده است، در حالی که نشان می‌دهد که مسجد اکبر در فاتح پورسیکری نسخه‌ای مانند مسجد شاه جهان است، اما در حقیقت از مسجد جهان‌آرا در آگرا تأثیر پذیرفته است. طرح مساجد شبستانی متشکل از تعدادی طاق و جرز در مساجد کوچکتر، غالباً بدون صحن ادامه یافت، مانند مساجد محله‌ای در شهرها و مساجد آرامگاهی. مسجد مجاور تاج محل که نمونه‌ای کوچک از مسجد جامع آگرا است. خصوصیت اصلی دیگر مساجد شاه‌جهانی، تالارهایی است که بر پایه‌ی نظام توسعه‌ی یابنده‌ی دهانه‌ها متکی است و این دهانه‌ها ممکن است دارای سقف صاف یا گنبدی شکل یا حتی طاق‌ها بنگاله‌ای باشند. مسجد اجمر و مسجد مروارید هیچ کدام دارای یک تأکید مرکزی به صورت یک پیشطاق واقع بر روی فضای وسط نیستند (همان: ۱۱۸-۱۲۰). شاه جهان با بنای مسجد موتی یا مسجد مروارید - وجه تسمیه به خاطر مرمر سفید آن است - و نیز ساخت چندین کاخ در قسمت غربی، به کار تکمیل قلعه‌ی سرخ در آگرا همت گماشت. مشخصه‌ی اصلی طراحی شهر دهلی شاه‌جهان مسجد جامع است که در مکانی تقریباً نزدیک به قلعه‌ی کاخ بر روی سکویی مرتفع بنا شده است (کریون، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

۴) مساجد دوره‌ی اورنگ زیب: جالب‌ترین ساختمان در دوره‌ی سلطنت اورنگ زیب مسجد پادشاهی در لاهور است که آخرین بنای متعلق به مجموعه‌ای از مساجد جامع گورکانی با سنگ قرمز است. نمای آن با نماسازی محلی که با کاشیکاری بود، تفاوت دارد و انعکاسی از مسجد جامع شاه جهان آباد است، اما در زمینه‌ی ایجاد، بیان روشن‌تری از فضای معماری به وسیله‌ی تناسبات وسیع و مجاورت و ترکیب دقیق

سنگ قرمز با سنگ مرمر سفید در گنبدها و تزئینات ظریف خاتم‌کاری از آن موفق‌تر بوده است. فضای داخلی آن به سبب تزئینات ظریف گچبری برجسته‌ی نقاشی شده ممتاز شده است. در بنای بدیع موتی مسجد، چاره‌اندیشی اورنگ زیب برای کاخ‌های دهلی تقریباً به طور کامل از نگین مسجد شاه جهان در قلعه‌ی آگرا تقلید شده است. یک نکته‌ی جدید، حجاری برجسته از تعداد زیادی نقوش گلدار در روی سنگ مرمر است که روشی را متحول ساخت که در دوره‌ی شاه جهان شروع شده بود و به صورت شیوه‌ای از تزئینات پوشیده از گل متعلق به دوره‌ی آخر معماری گورکانیان درآمد. نحوه‌ی تزئین زیبا اما مادی و دنیوی مسجد با نیت غیر دنیوی بانی آن تضاد عجیبی دارد، موضوعی که نشان می‌دهد تحولات سبک معماری به سوی استقلال در نظارت مستقیم پادشاه گورکانی شروع شده بود. سایر بناهای مهم دوره‌ی اورنگ زیب، مسجد او در ماتورا، بنارس و لکنهو است. موتی مسجد در نزدیک دروازه‌ی اجمر در درگاه قطب صاحب، در آخرین نمونه که کمتر شناخته شده است، از مساجد کوچک گورکانی است که نمای آن‌ها با سنگ مرمر سفید پوشیده شده و گفته شده که توسط پادشاه گورکانی، شاه اعلم اول بهادر شاه اول ساخته شده است. طرح آن به نحوی نمایانگر دور شدن از قاعده‌ی شاه جهانی برای ساختن این نوع مساجد مرمری به عنوان شبستانی ستون‌دار و متشکل از تعدادی دهانه‌ی واقع بر روی الگوی شبکه‌ای است و نیز نشان دهنده‌ی نزدیکی به طرح یک نوع دیگر از مساجد گورکانی است که از شبستانی با یک جناح تشکیل شده است که متشکل از پنج دهانه با پیشطاقی در مرکز آن است. مدرسه و مسجد قاضی‌الدین خان در دهلی، طرح خیرالمنزل از دوره‌ی اکبر را با خصوصیات این دوره دگرگون کرد. محوطه‌ی مقبره‌ی بانی در فضای باز که در جنوب مسجد است با تزئیناتی با نقوش گلدار که در روی سنگ حجاری شده است، قابل توجه است. این ساختمان که در قرن نوزدهم به عنوان کالج دهلی مشهور بود، هنوز به عنوان یک مؤسسه‌ی آموزشی برای مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد (کخ، ۱۳۷۳: ۱۲۹-۱۳۱).

نتیجه گیری

زمانی که اسلام و مسلمانان وارد هند شدند نیاز به پایگاهی داشتند تا بتوانند در آن دیار به نشر و گسترش اسلام بپردازند بنابراین مساجد زیادی در این راستا ساخته شد که کمک زیادی به مسلمان کردن هندوها کرد. تماس‌های اعراب با هندوها طبعاً موجب می‌شد که هندی‌ها با مذهب جدید اسلام آشنا شوند. به تدریج مبلغان مذهبی مسلمان نیز به هند آمدند و به نشر مذهب جدید در هند پرداختند و مورد استقبال واقع شدند و در نهایت مساجدی در هند ساخته شد. تمدن و فرهنگ اسلامی بعد از ورود به هند با کمک مساجد تداوم و بقا یافت و این مساجد علاوه بر این که محل عبادت و تجمع مسلمانان بود، جایگاه مهمی برای تعلیم اصول فقه، تعلیم و تربیت، خرید و فروش و همچنین زمان درگیری میان مسلمانان و هندوها مساجد به عنوان یک پایگاه نظامی برای مسلمانان عمل می‌کرد. سبک معماری به کار گرفته شده در این مساجد سبک اسلامی بود که بعدها از سبک هندی نیز تأثیر زیادی گرفته و سبک جدید هندو - اسلامی به وجود آمد. سلسله‌های مسلمانی که در هند به حکومت می‌رسیدند، من جمله گورکانیان، اهمیت زیادی به مساجد نشان داده و خودشان نیز مساجد زیادی می‌ساختند.

منابع و مأخذ

- آرنولد، توماس (بی‌تا). *علل گسترش اسلام*. ترجمه حبیب الله آشوری. بی‌جا: انتشارات سلمان.
- احمد، عزیز (۱۳۶۷). *تاریخ تفکر اسلامی در هند*. ترجمه محمدجعفر یاحقی و نقی لطفی. تهران: کیهان.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰). *مسالک و ممالک*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بهبهانی، احمدبن محمدعلی (۱۳۷۳). *مرآت الاحوال جهان نما*. قم: انتشارات انصاریان.

- پروین، حسن (۱۳۷۶)، «مساجد شبه قاره هند». *نشریه فرهنگ و هنر*. ترجمه هادی جلالی. شماره ۳۳: صص ۱۸۶-۲۲۱.
- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱). «توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی؛ مورد مطالعه مسجد جامع دهلی». *نشریه فرهنگ و هنر*. شماره ۱: صص ۷۵-۹۰.
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۸۱). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه*. شیراز: نوید.
- جمشیدی بروجردی، محمدتقی (۱۳۷۲). *علل ریشه‌ای درگیری‌های مسلمانان و هندوها*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- چند، تارا (۱۳۷۴). *تأثیر اسلام در فرهنگ هند*. ترجمه علی پیرنیا و عزالدین عثمانی. تهران: پاژنگ.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۷). *سرزمین هند*. تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمی، مینو (۱۳۷۲). *روابط فرهنگی ایران و هند*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- کخ، ابا (۱۳۷۳). *معماری هند در دوره‌ی گورکاتیان*. ترجمه حسین سلطان زاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کریون، روسی (۱۳۸۸). *تاریخ مختصر هنر هند*. فرزانه سجودی و کاوه سجودی. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- لعل نهر، جواهر (۱۳۵۰). *کشف هند*. محمود تفضلی. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- لوبون، گوستاو (۱۳۷۷). *تمدن اسلام و عرب*. محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب.
- مجتهدی، کریم با همکاری حسین کلباسی و دیگران (۱۳۷۹). *مدارس و دانشگاه‌های اسلامی و غربی در قرون وسطی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هاردی، پی (۱۳۶۹). *مسلمانان هند بریتانیا*. ترجمه حسن لاهوتی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- هالاید، مادلین و گوتس، هرمان (۱۳۷۶). *هنر هندو ایرانی - هندو اسلامی*. ترجمه یعقوب آژند. بی‌جا: انتشارات مولی.
- هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). *تشیع در هند*. ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدونی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هندوشاه، محمدقاسم (۱۲۸۱). *تاریخ فرشته یا گلشن ابراهیمی*. لکنو: بی‌نا.

– یزدانیان، حسین (۱۳۰۹). *گانندی و استقلال هند*. تهران: نشر و پخش کتاب جار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی